

فقط قاضی می‌تواند قضاوت کند نه هیچکس دیگر

فرهاد خادمی

از یکی دوماه پیش موضوع جرمهه ۳میلیونی خانم‌های بی حجاب و برداشت جرمهه از حساب آن‌ها به بحث انگیزترین موضوع در ماه‌های پایانی سال۱۴۰۲تبدیل شد.براساس گفته نمایندگان مجلس که این سوزو را قبل از تایید نهایی توسط شورای نگهبان در سطح جامعه مطرح کرده بودند، گویا قرار است تشخیص بی‌حجابی و عمل برداشت «وجه از حساب» بی حجابان، توسط ماموران پلیس انجام شود!

متأسفانه آنچه که در میان فضای غبارآلود و هیاهوی ایجاد شده مغفول ماند و بدان توجه نشد همین نکته کلیدی است که حتی حقوقدان‌ها و مدیران دستگاه قضا به آن نپرداختند و به سادگی از کنارش گذشتند.نکات مهمی که باید در این خصوص مدنظر قانونگذاران، شورای نگهبان، دستگاه قضا، فراجا و...قرار بگیرد در حد توان مطرح می‌شود.

از آنجا که در جامعه اسلامی ما حجاب یک امر ضروری فطری و دینی است و رعایت آن نیز از واجبات است که مخالفتی هم با آن نداریم بلکه بر رعایت و ترویج آن هم تاکید می‌ورزیم اما باید بین این مقوله مهم و ارزشی و موضوع مجازات بی حجابان تفاوت قائل شد و اگر قراری هم هست که مجازات شوند باید عادلانه و «هر» قوانین جاری کشور باشد و لذا بدین خاطر موارد مهم را بشرح زیر طرح می‌کنیم:

۱-جای تاسف و تأثر است که تصویب کنندگان قانون جدید حجاب با کدام منطق، امرخطیر قضاوت را به جای قاضی به مامور پلیسی که از نظر فنی نه تنها صلاحیت لازم را ندارد بلکه از نظر سایرپرموادی که تایید صلاحیت قاضی لازم دارد نیز فاقد صلاحیت می‌باشند، سپرده‌اند؟

۲-کاری که به مامور پلیس سپرده شده در حقیقت ماهیتی قضایی دارد که شرایط خود را دارد، چگونه می‌شود براساس یک عکس آن هم در شرایط خاص درخپایان یا خودرو اقدام به قضاوت یک فرد ومجازات وی کرد؟ این موضوع با بسیاری اصول، دینی و سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار منافات دارد و بر اساس قوانین جدید و جاری مملکت نیز مردود است چرا که برای قضاوت و حکم دادن بررسی‌های فراوانی لازم است.

۳-تصویب کنندگان این لایحه آنقدرعجولانه کار لایحه را تمام کردند که علاوه بر اشکالات شکلی فراوانی که شورای نگهبان بصدان گرفت و چند مرتبه به مجلس عودت داد، اشکالات ماهیتی این قانون است که به «ا توجه نشده که درصورت تصویب آن اشکالات بی‌شمار اجتماعی ایجاد خواهد شد وآنوقت تصویب کنندگان قانون نیستند که پاسخگوی این مشکلات باشند.

۴-یکی دیگرآزشکالات این مصوبه این است که عملا یک هرج و مرج ناصواب در نظام بانکی ایجاد می‌کند و باعث می‌شود تا حساب‌ها تخلیه شده و اگر از بانک ها به هردلیل خارج نشود به حساب آقایان خانواده منتقل می‌شود و اینجاست که بازم نتیجه مدنظرحاصل نخواهد شد.

۵-نکته مهم دیگر که شاید کمی به طنز و مزاح آمیخته باشد اینجاست که قراراست مامورپلیس عکس فردد بی‌حجاب را باعکس کارت ملی وی تطبیق دهد.همگان هم می‌دانند که عکس های کارت ملی واضح نیست حال این دوربین‌ها چگونه می‌خواهند چهره خانم‌های بی حجاب، هفت قلم آرایش کرده ساتتی مثالان را با آن عکس های بی‌کیفیت تطبیق دهند؟

آنچه که مسلم است مصوبه مذکور در کل در تضاد قوانین مدنی جاری کشور است که اگر شورای نگهبانی وجود می‌جلس به این موارد توجه نکنند قطعا و یقینا درآینده نه چندان دور دچارمشکلات امنیتی و اجتماعی خواهیم شد.

خبر

بالاترین میانگین سن فوت شدگان برای کدام استان است؟

مرکز رصد جمعیت کشور گفت: میانگین سنی فوت‌شدگان در کشور برابر با ۲/۶۶ سال بوده است که در بین استان‌ها بالاترین میانگین سنی مربوط به استان گیلان با ۲/۷۱ سال و کمترین مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۷/۵۰ سال است.

مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال اعلام کرد: میانگین سنی فوت‌شدگان در کشور برابر با ۲/۶۶ سال بوده است که در بین استان‌ها بالاترین میانگین سن مربوط به استان گیلان با ۲/۷۱ سال و کمترین مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۷/۵۰ سال است.بر اساس گزارش‌های آماری مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال میزان نرخ خام فوت کل کشور در سال ۱۴۰۲ برابر با ۲/۵ هزار نفر جمعیت بوده است که استان گیلان با نرخ ۴/۷ در هزار نفر جمعیت بیشترین نرخ فوت و استان کهگیلویه و بویر احمد با نرخ ۹/۳ در هزار نفر جمعیت کمترین نرخ فوت را در بین استان‌ها داشته‌اند.بر اساس این گزارش بیشترین تعداد فوت شدگان مربوط به گروه سنی ۸۹-۸۵ سال است، به طوری که ۹/۹ درصد از کل فوت شدگان مرد و ۵/۱۲ درصد از کل فوت شدگان زن مربوط به این گروه سنی بوده‌اند.

- **صاحب امتیاز:** علی یوسف‌پور
- **مدیر مسئول:** محمد پیرعلی
- **سردبیر و دبیر گروه سیاسی:** محمد صفری
- **دبیر اجتماعی:** سمیه ملکی
- **دبیر اقتصادی:** مهدی یوسفی

- **دبیر بین‌الملل و سیاست خارجی:** قاسم غفوری
- **دبیر فرهنگی:** سید مهدی لنگرانی
- **سرویس شهرستان‌ها:** پرویز قدری
- **سازمان آگهی‌ها:** ۶۶۸۸-۸۸۰۰
- **چاپ:** کارگر ۶۶۸۱۳۱۶۴

- **نشانی:** بزرگراه شهید گمنام، خیابان جهان‌آرا، کوچه بایک، پلاک ۱۶
- **تلفن:** ۰۶-۱۳۸۷۰۰۸۰۰
- **تلفن:** ۰۰۰۰۷۵۷۵
- **کدپستی:** ۱۴۳۸۳۳۷۱
- **شاپا:** ۳۹۴۷ - ۲۰۰۸

گزارش

رویه غلط سازمان محیط زیست برای توسعه «فرق‌های شکار»



به علاوه بارها نشست‌های تخصصی با حضور متخصصان دانشگاهیان برگزار شده و پس از بررسی وضعیت حیات وحش، نسبت به پیامدهای بعضاً جبران‌ناپذیر شکارفروشی و برگراری توره‌ای شکار بر جمعیت‌های وحوش هشدار داده شده است. وحوشی که برای حفاظت از آنها تا به حال بیش از ۱۴۵ محیط‌بان به شهادت رسیده‌اند.

حسن آقاشریحمحمدی، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان خوزستان، شکارفروشی به اتباع خارجی را عامل ایجاد احساس تبعیض در میان بومیان و افزایش تخلفات دانسته و می‌گوید: در حالی که بسیاری از محیط‌بانان شریف ما سال‌هاست با درآمد اندک، امکانات محدود و شرایط دشوار از صمیم قلب به طبیعت خدمت می‌کنند، وداشتن آنها به همراهی شکارچیان، در آنها نگاهی ابزاری نسبت به حیات وحش ایجاد خواهد کرد. به علاوه بومیانی که طی چند سال گذشته آموخته بودند که شکار وحوش تخلف است حالا با حضور شکارچیان خارجی در مناطق مواجه می‌شوند. شکارچiapنی که ماموران محیط زیست همراهی‌شان می‌کنند از بین رفتن قبح شکار و ایجاد حس تبعیض بدون شک، افزایش تخلفات را در مناطق به همراه خواهد داشت.

استدلال‌های مسئولان محیط زیست برای توجیه شکارفروشی، هم که خود، حدیذ بدتر از گناه است!مثلاً عیسی کلانتری، رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست گفته بود که قوچ‌های پیر زیاد آب می‌خورند و اگر شکار کنیم آب به ماده‌ها بیشتر می‌رسد!

علی سلاجقه هم اسفند ۱۴۰۱ ساعاتی پس از تاکید رهبر انقلاب بر حرمت شکار، شکار را یک روش مدیریتی برای تعدیل جمعیت حیات وحش عنوان کرد که با انتقادات

اوقات شرعی به افق تهران
اذان ظهر: ۱۳:۰۴ اذان مغرب: ۱۸:۵۶ اذان صبح فردا: ۴:۰۱ طلع آفتاب فردا: ۵:۳۰
دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳ شماره ۶۳۹۳

یک گوزن کوهی در یک پارک ملی در استان سیستان و بلوچستان

سازمان محیط زیست دانسته و می‌گوید: سازمان حفاظت محیط زیست برای آنکه از زیر بار حفاظت از عرصه‌های ملی شانه خالی کند این وظیفه را به جمعی شکارچی واگذار کرده و عرصه‌های ملی را به برق خصوصی تغییر عنوان می‌دهد. قرار است خروجی این فرق‌ها مشارکت جوامع محلی در حفاظت از منطقه باشد و درآمد حاصل از صدور پروانه شکار در این مناطق به جوامع محل برسد. اما تا به حال چه ارزیابی در این زمینه صورت گرفته، اینکه افرادی مانند خان بیابند و در برخی مناطق سرمایه گذاری و به گفته خودشان با صدور پروانه شکار، از منطقه بهره برداری کنند چه تأثیری در اقتصاد کلان منطقه به جا گذاشته؟ آیا بومیان از این رویه رضایت دارند؟

با این همه و در حالی که شکار و شکارفروشی طی سال‌های اخیر، در سراسر دنیا به یک ضد ارزش تبدیل شده امروز علاوه بر شکارفروشی سازمان محیط زیست، ناباورانه شاهد ضربه‌ای غیرقابل جبران به سرمایه‌های ملی کشور هستیم: تبدیل ۲ میلیون هکتار از اراضی ملی کشور به حیات خلوت شکارفروشان و ذی‌نفعان توره‌ای شکار اتباع خارجی.

پیشینه تبدیل اراضی ملی کشورمان به جولانگاهی محبوب برای شکارچیان خارجی به دهه ۴۰ بازمی‌گردد. قانون شکار وصيد که در سال ۴۶ توسط ذی‌نفعان شکارفروشی تدوین شد و به تصویب رسید نام این حیط خلوت‌ها را قرق اختصاصی گذاشت و به آنها رسمیت بخشید. کانون شکار ایران به ریاست عبدالرضا پهلوی هم که توسط مدافعان شکار راناندازی شده بود در سال ۴۶ به سازمان شکارپانی تغییر نام داد و به صورت رسمی برای شکار اتباع خارجی در قرق‌های اختصاصی مجوز صادر کرد. برای خدمات‌رسانی به شکارچیان و برگزاری توره‌ای شکار هم شرکتی خصوصی تحت عنوان ایران سفاری تاسیس شد. با پیروزی انقلاب ۵۷ شکارفروشی و برگزاری توره‌ای شکار چند سالی از رونق افتاد اما پروژه تبدیل اراضی ملی کشور به قرق‌های اختصاصی شکار، سال ۹۲ با حمایت معصومه ابتکار و یک موسسه خصوصی کلید خورد و در سال ۹۵ با تایید شورای عالی محیط زیست به ریاست حسن روحانی، ۳ قسرق اختصاصی در یزد، یک فرق در کرمان و یک فرق در سمنان مجموعاً به مساحت ۲۷۵هزار هکتار به بخش خصوصی واگذار شد.

پس از بازداشت دست‌اندرکاران این موسسه با اتهامات امنیتی که بخشی از آنها همان دست‌اندرکاران ایران سفاری قبل از انقلاب هستند، روند واگذاری قرق‌های جدید متوقف شد اما یک سالی است که سازمان محیط زیست با نادیده گرفتن حکم صدور شکار و تاکید رهبر انقلاب بر لزوم توقف شکار بدون پاسخگویی به نقدهای دانشگاهیان و بی‌توجه به ابعاد اجتماعی راناندازی قرق‌های شکار خصوصاً در نگاه جوامع بومی، برای واگذاری بیش از ۴۵ قرق اختصاصی جدید به بخش خصوصی تلاش می‌کند! تلاشی که اگر به تایید شورای عالی محیط زیست به ریاست رئیس‌جمهور منجر شود برگ سیاهی در کارنامه دولت به جا خواهد گذاشت.

آماده‌باش هلال‌احمر در پی بارش شدید باران

به صورت گسترده، سرریز سدها، دور از انتظار نیست، امدادگران و نجاتگران هلال احمر برای کمک به حادثه دیدگان در آماده باش هستند.

رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر افزود: بر اساس هشدار هواشناسی از اواخر وقت یکشنبه تا دوشنبه (۲۶ تا ۲۷ فروردین‌ماه) وزش باد شدید لحظه ای همراه با بارندگی و رعد و برق در مناطق ساحلی و دور از ساحل استان خوزستان، در خلیج فارس دور از انتظار نیست و در در این استان‌ها هم امدادگران هلال احمر به حالت آماده باش درآمده‌ اند.

به هموطنان توصیه می‌شود از توقف و تردد در بستر و حاشیه رودخانه‌ها و مسیل‌ها خودداری و از سفرهای برون شهری و فعالیت‌های کمونردی اجتناب کنند.

همچنین شهروندان از تفریح‌گاه‌ها و سکونت‌گاه‌های واقع در حریم و بستر رودخانه‌ها، سیلابی شدن همسایه‌ها و عشایر در ارتفاعات و حاشیه رودخانه‌ها تردد نکنند.

قدردانی فراجا از همکاری مردم در اجرای طرح نور

دارند که این حاکی از فهم و شعور نهفته در زنان این مرز و بوم است. تمام تلاش پلیس بر این است که بانوان کشورمان در امنیت و آرامش لازم در

فرماندهی انتظامی کشور در اطلاعیه ای از مردم به ویژه بانوان معتقد و قانونمدار کشور برای همکاری و همراهی در اجرای طرح نور قدردانی کرد.

به گزارش پلیس، در اطلاعیه شماره ۲ فرماندهی انتظامی کشور که روز یکشنبه منتشر شد، آمده است: با اجرای طرح نور از روز شنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۳، خوشبختانه شاهد جمعیت‌های وصف ناپذیر مردم عزیز به ویژه بانوان فهیم و قانون مدار کشورمان با پلیس هستیم. قاطبه زنان و دختران ایران اسلامی، ارزش وجودی خود را دانسته و نسبت به رعایت قوانین عرصه عفاف و حجاب تمکین

یادداشت

چه کسی پاکبان را به قتلگاه فرستاد!

علی اکبر روح نواز

ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی وایرال شده که نشان می دهد پاکبانی در اردبیل با ورود مخاطره آمیز و غیراصولی به داخل کانال فاضلاب با عمق بیش از یک و نیم متر و با دستن خالی در حال فرغ انسداد فاضلاب است.

مقامات استان در تمجید از پاکبان، اقدام او را ستوده و هدایای ویژه به او دادند؛ جایی که شورای شهر و شهرداری اردبیل هم به پاکبان و خانواده‌اش، سفر زیارتی

مشهد هدیه کرد.

واکنش‌هایی هیجانی و احساسی بی آن که ابعاد موضوع روشن‌تر شود و سپس تصمیم بگیرند؛ لذااست که این نوشتار کوتاه از زاویه‌ای دیگر و موشکافانه به این رخداد می‌پردازد.

۱- مفروض است که پاکبان قصه ما تحت امر و دستور پیمانکار شهرداری در حال ماموریت بوده و ناگزیر از اجرای تکلیف ولو ما لایطاق است؛-با این گزاره آیا می توان اقدام خطرناک او را ارادی تلقی کرد؟ا مگر این که مقابل دوربین، اقدامش را ارادی بخواند!

۲-اینها و فداکاری واژگان مقدس و بی‌حد و مرزی است، بر این باورم که اقدام غیرمتعارف پاکبان، شایسته‌ست این تعبیر نیست؛ قهرمان داستان ما برای «هیچ»، جانش را به

خطر انداخته که بلاتردید ترک فعل در این مورد خاص، عملایی ترین تصمیم ممکن بوده که اتفاقاً عین دستورات اسلام است.

۳- به فرض که فرودستد در انجام امری از عواقب سوء آن خیر نداشته ای بی‌دفاع و ناگزیر از انجام کاری برخلاف مصلحت خود و خانواده‌اش است؛آیا رضای الهی و صلاح امر و عموم در این نیست که به جای تشر و تذکر، مدال افتخار گردنش بیابوزیم و هورا بکشیم تا این رفتار برای دیگران هم الگو باشد؟ مسئولیت پذیری هم قاعده و اصول دارد…

۴-پرسش این است که براستی قهرمان داستان ما قرار بود با این مهلکه، جان کدام جاندار را از خطر حتمی نجات دهد؟ تخلیه کانال فاضلاب و رفع انسداد علاوه بر

^[1] سازمان حفاظت محیط زیست دانسته و می‌گوید: سازمان حفاظت

^[2] سازمان حفاظت محیط زیست دانسته و می‌گوید: سازمان حفاظت